

نقش اصول سازش و قواعد فقهی ناظر بر سوره طلاق جهت حفظ مصالح خانواده

مرضیه کرات*

عزت میرخانی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

چکیده

شارع مقدس برای حفظ و تحکیم بنیان خانواده هنگام تشکیل آن و هم‌چنین پس از جدایی، اصول سازش و قواعد فقهی که زیربنای احکام طلاق را تشکیل می‌دهد؛ تبیین نموده است، زیرا حفظ خانواده از انحلال و حفظ مصالح خانواده هنگام طلاق، جزء مهم‌ترین اهداف قانونگذار اسلامی است. پژوهش حاضر، با بررسی آیات مربوط به جدایی در سوره طلاق، اصول سازش و قواعد فقهی را استخراج کرده و با بیان مستندات فقهی و تفسیری آیات به صورت توصیفی-تحلیلی، اهداف شارع مقدس جهت تبیین اصول سازش با حفظ مصالح خانواده جهت کاهش فشار روانی حاصل از جدایی را بیان کرده است. در آیات طلاق، اصول سازش جهت جلوگیری از انحلال و حفظ مصالح خانواده و آموزش مهارت‌های سازش هنگام ازدواج و بعد از جدایی مانند: حسن معاشرت، مهارت امساک به معروف، تقدم اخلاق بر حقوق، مشاوره و مشورت، احترام به حقوق متقابل افراد، قیومت مرد، سکونت و آرامش و مهم‌ترین این اصول در نظام خانواده، اصل خدا محوری و پذیرش حاکمیت حق در برابر پیروی از هوای نفس، مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است. شارع مقدس قواعد فقهی مانند: لاضرر، المطلقه الرجعیه زوجه حقیقتاً، نفی تکلیف مالایطاق در سوره طلاق را جهت حفظ مصالح خانواده در برابر آسیب‌های ناشی از طلاق، تبیین نموده است.

واژگان کلیدی: آیات طلاق، اصول سازش، قواعد فقهی، مصلحت خانواده.



* طلبه سطح ۴ رشته فقه خانواده، موسسه آموزش عالی رفیعه المصطفی، مدرس حوزه. mkorat90@gmail.com

** عضو هیئت علمی تربیت مدرس گروه مطالعات زنان. Emikhani@modares.ac.ir

طرح مساله

خانواده نخستین اجتماعی است که بشر در آن پای می‌نهد و بسیاری از ارزش‌ها و کمالات را در کانون خانواده فرا می‌گیرد و از آن جهت که زندگی زناشویی بر خلاف عقود دیگر، علقه طبیعی است نه قراردادی، آن‌گاه که این علقه طبیعی از بین برود؛ هیچ قانونی نمی‌تواند زوجین را به هم نزدیک نماید. از این جهت خداوند متعال راه‌هایی از مشکلات را طلاق قرار داده است و از آن به عنوان حلال مبعوض یاد کرده است و آن را در شرایط خاص، تشریح نموده است.

قرآن کریم، ریسمان پیوسته و مستحکم خداست که یک سوی آن به دست خدای سبحان و سوی دیگر آن در دست انسان‌ها است و تمسک به آن، مایه سعادت و سیادت دنیا و آخرت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۱) در حالی که انسان‌ها از حقایق و دستورات اخلاقی و دینی منبع عظیم الهی فاصله گرفته و طبق شکایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از امت خویش (قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا) فقط به ظواهر قرآن توجه کرده و معارف عمیق و انسانی دریای ژرف الهی را رها کرده و از آموزه‌های آن جهت سعادت دنیا و آخرت خویش بهره‌مند نمی‌گردند.

در سوره طلاق، خداوند متعال بایبان اصول سازش و قواعد فقهی، پیشگیری از نزاع و اختلاف بیشتر و توصیه به رعایت دستورات اخلاقی که موجب حفظ مصالح طرفین و تضمین کننده آرامش روحی و روانی آنان پس از طلاق است؛ را مورد توجه و آموزش قرار داده است و در مقام پاسخگویی به سوالات مورد نظر قرار گرفته است.

اصول سازش و قواعد فقهی حاکم بر سوره طلاق جهت حفظ مصالح خانواده، چیست؟
اندیشه خدا محوری و رعایت تقوای الهی در هنگام جدایی، چه نقشی در حفظ مصالح خانواده دارد؟

مساله امنیت روانی زن در سوره طلاق مورد توجه شارع قرار گرفته است یا خیر؟
پشتوانه‌های عقلی تعدد شرایط صحت طلاق و حکم پرداخت نفقه زن در زمان عدّه و مابعد از عدّه در سوره طلاق چیست؟

تا کنون پژوهش‌های زیادی در مورد راهکارهای مقابله با فروپاشی خانواده و اصول مهارت‌های زندگی در آیات الاحکام طلاق، انجام شده است ولی در مورد اصول و قواعد فقهی ناظر بر سوره طلاق جهت حفظ مصالح خانواده، تحقیقی صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و به طریق کتابخانه‌ای انجام یافته است و به روش توصیفی

- تحلیلی بیان شده است. در ابتدا با مراجعه به منابع قرآنی و فقهی علمای گذشته و حال و نیز مقالات و نشریات فقهی، تفسیری، روایی، به بررسی و تبیین اصول سازش و قواعد فقهی ناظر بر سوره طلاق پرداخته و کاربرد این قواعد و اصول را جهت حفظ مصالح خانواده مورد بررسی قرار داده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- **تعریف لغوی و اصطلاحی طلاق:** طلاق در لغت، اسم مصدر «التطليق» یا «الاطلاق» است و به معنای باز کردن گره است و از امور عرفی اعتباری بین عقلاء است.^۱ (سیحانی، ۱۴۱۴، ص: ۸).

۱-۲- **تعریف اصطلاحی طلاق:** در اصطلاح فقهاء به معنای رها کردن زن از عقد نکاح به سبب صیغه طلاق (طالق) و شبه این صیغه، تعریف شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص: ۲) نام دیگر سوره طلاق «النساء القصری» وارد شده است به جهت تمییز از سوره «النساء الكبرى» که چهارمین سوره در قرآن کریم ذکر شده است.^۲ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص: ۱۸۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص: ۳۶۱) این سوره مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق است و دوازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است. ابتدای سوره طلاق با احکام و شرایط وقوع آن شروع می شود و تا آیه هفتم به بیان احکام طلاق می پردازد از این رو، اسم سوره به «طلاق» مزین شده است در بخش دوم سوره، عاقبت کسانی را بیان می دارد که از فرمان خدا سرپیچی کرده و به کیفر شدید رسیده اند و یا با عمل صالح مشمول هدایت های الهی و نعمت های بهشتی گردیده اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص: ۳۱۲) دین مبین اسلام در دستورات و رهنمون های خود در راستای زندگی خانوادگی به تبیین اصول سازش و دستورات اخلاقی جهت پیشگیری از ناسازگاری و گذشت در امور مربوط به زنان و معاشرت بر مبنای فعل پسندیده و نیکو در سوره طلاق پرداخته است و هم چنین در قالب قواعد فقهی به بیان قواعد و احکام جدایی اخلاق مدار در حیطه خانواده جهت حفظ مصالح خانواده، در این سوره اهتمام داشته است.

۱ «فالطلاق لغة: هو حلُّ القيد كقيد الأسير، يقال: أطلقا لأسير إذا حُلَّ من القيد، ثم إن لفظ الطلاق مصدر للفعل المجزئ، و اسم مصدر للمزيد فيه، فلو قال: طلقت (بتخفيف اللام و فتحها و ضمها) طلاقاً فهو مصدر، و لو قال على تشديد اللام، طلقت، فهو اسم مصدر. و المصدر التَطْلِيقُ نظير: السلام و الكلام و التسليم»

۲ «كما تسمى سورة النساء القصری - قاله عبد الله بن مسعود - و ذلك تمیيزاً لها عن سورة النساء الكبرى و هي السورة الرابعة فی ترتیب المصحف، بعد سورة الفاتحة، و سورة البقرة، و سورة آل عمران، تجيء سورة النساء.»

۲. اصول و مهارت‌های سازش در سوره طلاق

متعال در سوره طلاق اصول سازش و مهارت‌های حفظ زندگی را در قالب اصولی بیان کرده است که به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۲-۱. اصل حسن معاشرت و مهارت امساک به معروف در خانواده: بحث «امساک بمرعوف» در آیه دوم سوره طلاق مطرح شده است: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...»^۱. «هنگامی که عده آنها سرآمد یا آنها را به طرز شایسته‌ای نگهدارید و یا به طرز شایسته‌ای از آنها جدا شوید»

۲-۱-۱. تعریف لغوی «معروف»: معروف از «ع رف» مشتق شده و عُرف: (بر وزن قفل) به چند معنی آمده از جمله: به معنی معروف ذکر شده (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص: ۳۲۸) و مشتقات دیگر آن نظیر: عرفان، معرفت، تعریف، عارف معنایی نزدیک به علم دارد و به معنای معلوم است و متعلق عرف فقط خیر است؛ به بیان دیگر، معروف هر چیز خیری است که نفس به آن شناخت پیدا نماید و منکر ضد آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص: ۲۳۹) در کتاب «العین» از «عرف» به معنای معروف و شناخته شده ذکر شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص: ۱۲۱). راغب در معنای «معروف» می‌گوید: معروف هر فعلی است که خوبی آن با عقل یا شرع شناخته شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص: ۵۶۱).

۲-۱-۲. «امساک بمرعوف» از منظر فقهاء: فقهاء به معروف، به عنوان یک اصل استناد کرده و فتوا داده‌اند. (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص: ۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص: ۱۰۹) «معروف» ملاکی برای تشخیص و ضابطه و میزانی برای تعیین حقوق و تکالیف است و به عنوان وصف فعل یا قولی است که مورد تکلیف قرار گرفته است. مراد از امساک بمرعوف این است که مرد در زندگی حقوق واجبه زوجه را رعایت کند و به وظایف زناشویی عمل نماید و قرار دادن زن در مشقت و حرج، منافات با «امساک بمرعوف» دارد که مهم‌ترین این حقوق، حسن معاشرت است؛ به این بیان که: مرد قصد ضرر و زیان به زوجه را نداشته باشد. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص: ۳۴۵-۳۴۶؛ جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص: ۵۱۸)

۲-۱-۳. «امساک بمرعوف» از منظر مفسران: در قرآن، ۳۸ مرتبه کلمه «معروف» به کار رفته است که ۱۵ مرتبه مربوط به خانواده و همسر داری است، یعنی شیوه برخورد زن و مرد در زندگی باید شایسته و معروف باشد و حقوق شرعی زن رعایت گردد. (روحانی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص: ۲۰۱)

۱۴۱۴) در مجمع البیان مقصود از معاشرت به معروف، انصاف در نفقه و رعایت حقوق زوج مطابق عرف است و گفته‌اند: معروف آن است که به زوجه ضرر و آزار نرساند، با او بد سخن نگوید، با روی گشاده با او مواجه شود و... (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص: ۳۵) همین بیان در بسیاری از تفاسیر آمده است: (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص: ۴۹۰، آلوسی بغدادی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص: ۲۴۳؛ ۲۷؛ رازی، ۱۴۱۵، ج ۵، صص: ۱۳-۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۷، ص: ۴۷۷) علامه طباطبایی در رابطه با مفهوم معروف می‌گوید: معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بدانند و با آن مانوس باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد؛ سازگار باشد و در بین آن‌ها متعارف باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص: ۳۱۲) در سوره طلاق به هنگام تمام شدن عده زنان به مردان امر می‌نماید: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» «هرگاه نزدیک زمان بیرون شدن زنان از عده فرا رسید، شما مختار هستید در صورت تمایل به آن‌ها رجوع کنید یا آن‌ها را به حال خود واگذارید و به طرز شایسته‌ای از آن‌ها جدا شوید». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص: ۸۸) مراد از رسیدن اجل «بلغن اجلهن» رسیدن به اواخر مدت عده است نه پایان آن، زیرا اگر مدت عده پایان یافت، امساک و نگهداری زن حرام است. (ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ص: ۴۰۴)

۱-۲. مقید شدن «امساک» به قید معروف: این‌که در آیه دوم^۲ سوره طلاق، خداوند امساک را مقید به قید «معروف» کرده است؛ لطافت ظریفی است که بر هر کسی پوشیده نیست. قید «بِمَعْرُوفٍ» بیانگر این است که مرد در هر نوع امساک مختار نیست، بلکه باید امساک به «معروف» باشد، یکی از جهاتی که در معروف بودن امساک به معنای نگهداری همسر و ادامه زوجیت است، رعایت شرایط صحت نکاح از جمله رضایت زوجه است و اگر مرد نتواند رضایت زوجه را جلب کند؛ قهراً امساک بمعروف را مورد لحاظ قرار نداده است و قرار دادن زن در زوجیت مرد، به منظور اذیت و اضرار به او باشد به صورتی که همسرش را طلاق دهد و در زمان عده به او رجوع نماید و بار دیگر طلاق دهد و این عمل را به جهت اذیت به او، تکرار نماید و منظور از معاشرت بمعروف، معاشرتی است که به زوجه آزار رساننده نشود و اگر بعد از طلاق به زن رجوع کند غرضی که خدای متعال در زوجیت قرار داده است یعنی سکون نفس و انس زوجین حاصل گردد. (زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص: ۲۹۷۰)

۱. سوره طلاق، آیه ۲

۲ «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»

همه آیاتی که قرآن کریم در آن ها بحث امساک بمعروف را مطرح می کند، زیر مجموعه آیه «و عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ است که خدای سبحان به مردها دستور می دهد که با زنان خود همواره رفتار پسندیده داشته باشند و بیان مسئله رفتار پسندیده مردان با همسران خود در موارد متعدد، نشان اهمیت وجود رابطه پسندیده و معقول میان زن و شوهر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص ۱۶۰)

۱-۲. خطابات قرآنی به نفع و مصلحت زنان: به دلیل ضعف جسمی و آداب و رسوم اجتماعی و تاریخی، حقوق زنان بیشتر پایمال شده و می شود؛ لذا بیشترین خطاب های قرآنی (فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف) در مورد مراعات حقوق، به مردان است. (قرآنی، ج ۱۲، ص ۱۰۴)

در زندگی اجتماعی وقتی با عنوان طلاق روبرو می شویم به دنبال آن، عداوت و کینه و انتقام زوجین و حتی خانواده ها مطرح می گردد، حال آن که روش قرآن کریم بر اساس حفظ شان و حمایت از قشر آسیب پذیر زنان (ب فَأَمْسِكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) بوده است. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۴) بعضی از افراد معتقد هستند که بعضی از خطابات قرآنی به نفع و مصلحت مردان قرار گرفته است از جمله: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)^۲ ولی خداوند در سوره طلاق با خطاب قرار دادن مردان در جهت حفظ حقوق و مصالح زنان و توصیه آنان به فعل معروف، شان و امنیت روانی و جسمی زن را مورد لحاظ قرار داده است، زیرا زنان به هنگام جدایی با مشکلات و مسائل بسیاری مشتمل بر امور مالی، عاطفی، حمایتی و اجتماعی رو به رو هستند و از آن جا که حساسیت های عاطفی و احساسی در زنان بیشتر است و سلامت و امنیت روانی آنان در معرض خطر قرار می گیرد؛ قرآن کریم مردان را به رفتار مناسب با شان و سلامت روانی و جسمی زنان دعوت می نماید.

۲-۲. اصل تقدم اخلاق بر حقوق: اصل «معروف» با توجه به خصوصیات معنای فقهی و تفسیری خود، این پیام را در بر دارد که در قلمرو خانواده، حقوق باید به رنگ اخلاق درآید. توجه هر چند دقیق به حقوق و تکالیف اعضای خانواده، بدون رعایت جنبه های اخلاقی، نمی تواند سعادت خانواده را تامین و تضمین نماید. (حکمت نیا، ۱۳۸۸، ج دوم، ص: ۷۵)

۲-۲-۱. حکم «معروف» خطاب به مردان: بعضی از نویسندگان اظهار داشته اند: «توصیه

۱. سوره نساء، آیه ۱۹

۲. سوره نساء، آیه ۳۴

به معروف به شخصی تعلق می‌گیرد که دارای اختیاراتی است و امکان سوء استفاده برای او وجود دارد. بنابراین، معروفات در قرآن نسبت به اشخاصی است که تمکن مالی داشته و یا دارای قدرت و اختیاراتی هستند و روح کلی حاکم بر این معروفات، اغماض و گذشت متمکین مالی برای ایجاد شفقت و مهربانی و ارتباط سالم خانوادگی است. (احمدیه، ۱۳۷۹، ص: ۶۸) در خانواده، زمینه ایجاد ضرر و زیان از طرف مردان برای زن و خانواده بیشتر فراهم است از این رو قرآن کریم مخاطب خود قرار داده است تا زمینه تعدی و ظلم و آزار را برای زنان فراهم ننمایند.

۲-۲. علت تقدم «امساک بمعروف» بر «فارقهون»: حکمت مقدم شدن امساک بر تسریح در سوره بقره: «فَامَسْكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِالْإِحْسَانِ»^۱ و سوره طلاق بنا بر حفظ و صیانت کانون خانواده هست. مبنی بر نظر مفسران قرآن کریم شاید بتوان از این تقدم لفظی، تقدم معنوی «امساک» بر «فارقهون» را فهمید، (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص: ۳۴۳) هر چند رعایت حقوق مادی (مهریه، نفقه)، در خانواده مورد تأیید و تأکید اسلام است و در سیره پیشوایان دین نیز با دقت مورد توجه و عنایت بوده؛ اما اساس خانواده بر حفظ حقوق معنوی (تقدم امساک بمعروف و حسن معاشرت) استوار است. حقوق مادی نمای ظاهری ساختمان خانواده را زیبا می‌کند؛ اما پایه‌ها و بدنه آن به وسیله حفظ حقوق معنوی استحکام می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص: ۳۰۵)

۲-۳. اصل مشاوره و مشورت: در سوره طلاق اصل مشاوره و مشورت زوجین را به هنگام تولد فرزند جدید مورد اهمیت قرار داده است و مردان را امر به پرداخت نفقه زنان مطلقه شیر دهنده و اجرت شیر دادن در صورت درخواست زنان می‌نماید تا بدین صورت حقوق زنان مطلقه حفظ گردد. «وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآمُرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمُ فَمَسْرُوعٌ لَهُ الْآخِرَىٰ»^۲ «و هرگاه (زنان مطلقه) باردار باشند؛ نفقه آن‌ها را بپردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما فرزند را شیر دهند؛ پاداش آن‌ها را بپردازید و (درباره فرزندان کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن آن بچه را برعهده می‌گیرد»

۲-۳-۱. رعایت مصلحت کودک با عمل به «اصل معروف»: مشورت زوجین به قدری اهمیت دارد که حتی در شرایط جدایی و طلاق، اسلام به آن به طریق معروف، سفارش کرده

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۱

۲. سوره طلاق، آیه ۶



است. «أَتْرُوا بَيْنَكُمْ مَعْرُوفٍ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص: ۹۶) بر زوجین واجب است که امر مشاوره در امور کودک را با امور معروف و شایسته و در شان طفل، انجام دهند تا ضرری متوجه کودک نگردد و مشورت با وصف «معروف» مطلق است و اختصاص به مساله رضاع ندارد لذا شامل امر تربیت طفل هم می‌گردد. (شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص: ۲۹۸)

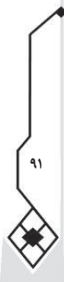
۴-۲. اصل خدامحوری و پذیرش حاکمیت حق و رعایت تقوی: مهم‌ترین اصل سازش در خانواده، اصل خدا محوری و رعایت تقوی و حدود الهی است که در چهار آیه از سوره طلاق مطرح گردیده است.

الف) «وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ^۱»، رعایت تقوا در امر طلاق و خصوصاً عده آن، از سوی زن و مرد لازم است. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۱۰۱) «احصوا» از «احصاء» به معنای شمارش و اصل آن، «حصی» به معنای سنگریزه است زیرا در قدیم با ریگ و سنگریزه حساب را نگه می‌داشتند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص: ۵۵۴) دلیل وجوب امر به شمارش عده، این است که زن در زمان عده بر شوهر، حق نفقه و مسکن دارد و شوهر هم حق رجوع به زن را دارد. (طبرسی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص: ۴۳۵) به همین دلیل، جدایی و طلاق نباید با هوای نفس و خودکامگی همراه شود و رعایت تقوای الهی در اجرای طلاق لازم و ضروری است به گونه‌ایی که مرز رعایت یا عدم رعایت تقوا به حدی باریک است که خداوند در کنار احکام طلاق، عمل به تقوای الهی را گوشزد می‌نماید. دلیل آن که در ایام عده، مسکن زن و مرد یکی است؛ بستر سازی برای رجوع و فراهم شدن زمینه صلح بین زوجین است. اخراج زن از خانه یا تهیه مسکن جداگانه نوعی توهین و تحقیر در حق زن است و نیز در جدایی تدریجی، پای عقل و عاطفه و فکر و مشورت بیشتر از جدایی دفعی و یکباره به میان می‌آید و امکان سازش فراهم می‌شود. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۱۱۰)

ب) «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا^۲» اثر تقوی فقط در آخرت نیست بلکه گشایش در امور و شناخت و فهم صحیح در زندگی و راه خروج از مشکلات را هموار می‌نماید انسان با تقوی خواست خود را در مسیر خواست خداوند قرار

۱. سوره طلاق، آیه ۱

۲. سوره طلاق، آیه ۲



می‌دهد... (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص: ۳۶۴)

ج) «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» در مسایل خانوادگی و مراعات حقوق همسر به خصوص در شرایط طلاق و جدایی، تقوای زیاد نیاز است.

د) «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا^۲» تقوی سبب نجات از قهر الهی است و موجب جبران گذشته می‌گردد و گناهکاران چه بسا گناهانشان پاک شود. مقدمه دریافت اجر، پاک شدن از گناه است. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص: ۹۸) رعایت تقوای الهی باعث شناخت حق از باطل می‌گردد و در پرتو این شناخت، راه خروج از مشکلات پیدا می‌گردد و از بسیاری از گرفتاری‌ها به آسانی خارج می‌شود. و تقوی سبب نجات از قهر الهی است و موجب جبران گذشته می‌گردد و گناهکاران چه بسا گناهانشان پاک شود. راه حل خروج از مشکلات خانوادگی رعایت تقوای الهی هست. اثر رعایت تقوی و حدود الهی، به رسمیت شناختن حاکمیت حق و جایگزین شدن به جای نفس سرکش و خواهشهای شخصی و تحکیم بنیان خانواده و دمیده شدن روح دوباره به جسم بی‌جان زندگی مشترک زوجین است چرا که با غفلت از حدود الهی بیم آن می‌رود که اختلاف‌های طرفین حل نگردد و دوطرف طلاق بر طبل خود رایی زده و بر منافع یک طرفه خود اصرار داشته باشند.

۱-۴-۲. حدود الله و اثر آن در حیات انسانی: کانون خانواده مانند سایر جوامع بشری برای بقاء و تعالی خود نیازمند قانون است اگر پایبندی به دستور و قوانین الهی در زمان تشکیل زندگی خانوادگی و نیز استمرار آن و در زمان جدایی و طلاق میان اعضا خانواده وجود نداشته باشد به دنبال آن، فرد نگری و خودبینی میان اعضا گسترده می‌گردد. قرآن کریم با هشدار به «حدود الله» بودن احکام طلاق، تعدی از این حدود را مصداقی از ظلم به خود بیان می‌کند.

«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» نادیده گرفتن دستورات خداوند و شکستن حدود الهی ظلم به خویش است و نفس را برای عقاب و مواخذه قرار می‌دهد. مردان نباید به خاطر تامین نفقه و مسکن، منتی بر همسران مطلقه داشته باشند زیرا این حکم خداست. زنان نباید به خاطر محدود شدن در خانه نگران شوند زیرا این محدودیت را خداوند

۱. سوره طلاق، آیه ۴

۲. سوره طلاق، آیه ۵

حکیم مقرر فرموده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص: ۱۸۷؛ قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۱۰۱)

۲-۵. اصل احترام به حقوق متقابل در جهت مهارت پیشگیری از استمرار جدایی: یکی از مهارت‌های پیشگیری قرآن کریم از استمرار جدایی بعد از طلاق، بحث عدم خروج زن مطلقه رجعی از منزل همسر است که در آیه اول سوره طلاق مطرح گردیده است. «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ...»^۱ «نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها در دوران عده بیرون روند مگر اینکه کار زشت آشکاری انجام دهند.»

زن طلاق داده شده تا زمانی که در حال عده است؛ گویا در منزل خودش ساکن است و حق سکونت از او سلب نمی‌شود زیرا احتمال رجوع شوهر در دوران عده وجود دارد. (طبا طبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص: ۳۱۳) البته ذکر این نکته ضروری است که مسئله ترک خانه اگر برای ضرورت باشد، مانعی ندارد ولی بی دلیل یا به صورت آواره شدن، نباید صورت بگیرد مگر این که زن دچار امر زشت و گناه شود و همین امر، حمایت شارع مقدس را تا این مرحله (بعد از طلاق) بر خانم گسترده می‌دارد.

«إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» فاحشه در قرآن به چهار معنی آمده است: زنا، نشوز، لواط، معصیت (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص: ۵۸۶) با توجه به تنوع روایات در این امر، نظر فقها نیز متفاوت است؛ زیرا برخی روایات فاحشه را به معنای عمل قبیح زنا و برخی دیگر آن را به ناسازگاری، فحاشی و اذیت و آزار اهل خانه معنا کرده‌اند (طبا طبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص: ۳۱۳؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص: ۴۱۸) فاحشه نیز به معنای گناهی است که معصیت بودنش قطعی و واضح است؛ نه گناه علنی و تجاهر به فسق. زنی که به بزهکاری تن می‌دهد، در صدد تبیین آن نیست تا زن فحشایش «مبینه» شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص: ۱۵۹)

زن نمی‌تواند از حق مسکن در دوران عده، سوء استفاده کند و برای انتقام گرفتن از شوهر، خانه را تبدیل به محیطی برای فحشا و منکر نماید. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۱۰۱) اخراج زن از منزل، به شرطی هست که فحشای او روشن و ثابت شده باشد و سوء ظن کافی نیست. شارع مقدس با بیان فحشای «مبینه» احترام و شخصیت زن را مورد توجه قرار داده و به احتمالات موجود در خطای زن توجه نکرده است.

۲-۵-۱. شروط صحت طلاق در جهت مهارت پیشگیری از استمرار جدایی

شرایط صحت طلاق که عبارت است از: نگه داشتن عده برای زن و حضور دو شاهد

۱. سوره طلاق، آیه ۱

عادل، امر جدایی را به تاخیر می‌اندازد و راهی برای ایجاد صلح و دوستی در خانواده است. در آیه اول سوره طلاق به احکام عده بعد از طلاق رجعی اشاره کرده است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ...» (ای پیامبر هر زمانی خواستید زنان را طلاق دهید در زمان عده، طلاق را جاری نمایید (زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسران نزدیکی نکرده باشند) و حساب عده را نگه دارید). «در آیه ۲، سوره طلاق به شرط دوم هم اشاره می‌نماید. «أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ» به اعتقاد امامیه با توجه به ظاهر آیه، وجوب شاهد گرفتن در طلاق است و شرط صحت طلاق، حضور دو شاهد عادل است. (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص: ۱۶۶) برای حفظ حقوق زوجین، گرفتن دو شاهد عادل، نشانه محکم کاری و دقت در امر طلاق است.

حکمت شروط و قیود طلاق در آیه طلاق به جهت تقلیل وقوع طلاق و جدایی است پس کثرت قیود و شروط طلاق بنا بر قاعده معروف «ان الشی اذا کثرت قیوده عز او اقل وجوده» پس اعتبار وجود دو شاهد عادل برای ضبط طلاق اولاً و برای تاخیر وقوع طلاق در مرحله بعد است و چه بسا تا حاضر کردن دو شاهد یا حاضر کردن زوجین یا یکی از آنها نزد شاهدین، موجب پیشیمانی و برگشتن به کانون خانواده گردد و خداوند هم اشاره می‌نماید «لَا تَدْرِي لَعَلَّ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» و این امر، حکمت حضور دو شاهد است. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص: ۱۳۵)

علامه طباطبایی در تفسیر «لَا تَدْرِي لَعَلَّ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» می‌فرماید: تو نمی‌دانی، ای بسا خدای تعالی بعد از این، امری پدید آورد، یعنی امری که وضع زن و شوهر را عوض کند و رای شوهر در طلاق همسرش عوض شود و به آشتی و رجوع به همسر متمایل گردد... (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص: ۳۱۳؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص: ۱۶۵) برای حفظ نظام خانواده، قانون طلاق همراه با شرایطی سرعت گیر (وجوب نگه داشتن عده، وجوب دو شاهد عادل) قرار داده شده است. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۱۰۱)

۲-۶. **گستره قیومیت مرد:** واژه قیومیت از ریشه (قام، يقوم) مشتق شده است و به معنای ایستادن است (معلوف، ۱۹۹۶، ص: ۶۶۳) در صورت کاربرد متعددی (قوم علی...) به معنای سرپرستی و برعهده گرفتن امور دیگری معنا می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص: ۱۹۲) بعضی از فقها (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص: ۳۲۴؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص: ۱۱۶؛ ابن البراج، ۱۴۰۶، ج ۲،

۱. سوره طلاق، آیه ۱

۲. سوره طلاق، آیه ۱

ص: ۲۲۵) در بیان مفهوم «قیمومت» می‌گویند: مردان متکفل و مسئول امور و حقوق واجب زنان در خانواده هستند که برخی از حقوق، مربوط به تهیه مسکن و غذا که در فقه تعبیر به «نفقه» شده، می‌گردد. در سوره طلاق با توجه به گستره «قیمومیت»، مردان را امر به سکونت زنان مطلقه در منزل خودشان می‌نماید. «اسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ^۱» (زنان مطلقه) را هرجا خودتان سکونت دارید و در توانائی شما است سکونت دهید» تامین مسکن زن حتی بعد از طلاق تا مدت‌ها برعهده مرد است. مسکن زن مطلقه باید در همان مکانی باشد که مرد در آن سکونت دارد. مرد، حق ندارد برای صرفه جویی، انتقام و تحقیر، جای نامناسبی را برای سکونت انتخاب کند و همسر مطلقه را مجبور به سکونت در آن محل کند.

۲-۲. اصل سکونت و آرامش: در انتخاب مسکن باید به آرامش زن هم توجه شود نه اینکه فقط سرپناه برای زن باشد. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۱۱) «اسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ^۲» (زنان مطلقه) را هرجا خودتان سکونت دارید و در توانائی شما است سکونت دهید» ملاک در انتخاب مسکن از نظر کمیت و کیفیت، مقدار توانایی مرد است نه میزان توقع و تقاضای زن، ولی باید شان زن هم لحاظ گردد و زندگی در کنار مرد موجبات رنج و غم را فراهم ننماید. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص: ۵۶۴)

۳. قواعد فقهی ناظر بر سوره طلاق

قواعد فقهی متعددی در آیات سوره طلاق مطرح گردیده است که زیر بنای مسائل فقهی فقهاء شمرده می‌شود. قاعده فقهی اصل کلی است که فقیه به وسیله آن حکم موارد جزئی را می‌یابد.

۳-۱. کاربرد قاعده «لاضرر» در عدم ضرر و زیان بر زوجین: بحث عدم ضرر و زیان زوجین به یگدیگر که از مصادیق قاعده «لاضرر^۳» است، یکی از ارکان تحکیم بنیان خانواده و از

۱. سوره طلاق، آیه ۶

۲. سوره طلاق، آیه ۶

۳ مستند قاعده «لاضرر» حدیث رسول اکرم (ص) است: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَتْ لَهُ عَدَقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَ مَنَزَلُ الْأَنْصَارِيِّ بِنَابِ الْبُسْتَانِ وَكَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نَخْلِيهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمْرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَشَكَأَ إِلَيْهِ وَ حَبَّرَهُ الْخَبْرَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ حَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَا شَكَأَ وَ قَالَ إِنَّ أَرْدَتْ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنُ فَأَبَى فَلَمَّا أَبَى سَأَلَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ الثَّمَنِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ

مهارت هایی است که جهت حفظ مصالح زندگی خانوادگی و سازش با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است.

مقصود خداوند از عدم وجود «ضرر و ضرار» در اسلام، نفی حکم ضرری است. اصولاً در اسلام ضرر موجود نیست، زیرا حکم ضرری وجود ندارد و در روابط اجتماعی و خانوادگی مردم نیز، هرگونه اقدام زیانبار مورد امضای شرع مقدس نیست. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص: ۱۵۱) «اسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ...»^۱ «(زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانائی شما است سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنها تنگ کنید (تا مجبور به ترك منزل شوند)» مِنْ وُجْدِكُمْ؛ عطف بیان برای، «مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» و تفسیر آن این است: زنان مطلقه را در جایی از محل سکونت خود به قدر توانتان سکنا دهید. و منظور از «وجدکم» طاقت و توان مرد است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص: ۵۶۴) «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»؛ مرد حق ندارد به همسری که طلاق داده، ضرری برساند. مفسران معنای ضرر و زیان را عرفی دانسته اند به این که واجب است زن مطلقه رجعی را در مسکن مناسب شان زن سکونت دهد و نیازهای او را تامین نماید تا ضرری که در آیه از آن نهی شده، منتفی گردد... (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ص ۷۰۶، طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص: ۳۱۲). مرد حق ندارد برای همسری که طلاق داده هیچ گونه تنگنایی در مسکن و نفقه، قرار دهد. (ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص: ۲۰۱) در روایتی از امام صادق (ع) خطاب به مردان هنگام طلاق دادن زن، نقل شده است: به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنها تنگ کنید و مجبور به نقل مکان و ترك نفقه شما شوند.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص: ۱۲۳) به این دلیل که بحث نهی از ضرر و زیان بلافاصله پس از امر به امساک بمعروف «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»^۳ آمده؛ در واقع می توان گفت که این نهی، همان تکرار امر به «امساک بمعروف» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص: ۳۴۵) به دلیل اینکه آیه در خصوص شرایط طلاق رجعی و زن مطلقه بحث می کند دلیل نمی شود که فقط بحث مسکن و

يَبِيعُ فَقَالَ لَكَ بِهَا عَدُقٌ يُمَدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْأَنْصَارِيِّ اذْهَبْ فَأَقْلَعِهَا وَ اِزْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص: ۲۹۲)

۱ طلاق ۶

۲ «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْخَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُضَارُّ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِذَا طَلَّقَهَا فَيَضَيِّقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَنْتَقِلَ قَبْلَ أَنْ تُنْقِضِيَ عَدَّتَهَا فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ».

۳ طلاق ۲

سکونتی که موجب آزار و اذیت زن شود را از مصادیق ضرر و زیان به حساب آوریم بلکه آیه خواستار بیان این معناست که حتی در شرایط طلاق، معامله با زن باید مثل شرایط قبل از طلاق باشد (سبحانی، ۱۴۱۴، ص: ۳۳۳) نهی از ضرر و زیان، اختصاص به مردان ندارد اگرچه خطاب آیه، در مورد زوج است «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»^۱ در صورت مهیا بودن شرایط در خانواده، دوطرفه معنا می شود. بنابراین اصل عدم ضرر و زیان در صورتی موجب تحکیم بنیان خانواده خواهد شد که به همه روابط زوجین تسری پیدا کند و توجه را نیز مورد خطاب قرار دهد.

۳-۲. اثر قاعده «المطلقة الرجعية زوجة حقیقتاً» در حفظ حقوق زوجین: مراد از طلاق رجعی، طلاقی است که شوهر می تواند تا زمانی که عده برقرار است به زن مطلقه اش رجوع کند و بدون اینکه به انشای عقد نکاح جدید نیازی باشد، رابطه زوجیت را با همسرش ادامه دهد یا اینکه برقرار کند. به چنین طلاقی، طلاق رجعی و به چنین زنی، مطلقه رجعی گفته می شود. رجوع ممکن است با لفظ و یا با فعل محقق شود. علاوه برداشتن حق رجوع در زمان عده برای همسر، حقوق و تکالیفی را هم شوهر و مطلقه رجعی در مدت عده دارا هستند؛ از جمله: اگر در مدت عده رجعی زن یا شوهر بمیرند از همدیگر ارث می برند؛ مطلقه رجعی حق نفقه دارد؛ شوهر نمی تواند مطلقه رجعی را از منزل خود خارج نماید؛ طلاق رجعی زن و مرد را از احسان خارج نمی کند لذا اگر در مدت عده، زن یا شوهر مرتکب زنا شوند، زنا آنها زنا محصنه محسوب می شود و... (حلی، ج ۲، ص: ۷۴۹؛ روحانی، ۱۴۱۷، ص: ۳۴۹) وجود این حقوق و تکالیف در مورد مطلقه رجعی که شان او را تا شان همسر حقیقی بالا می برد باعث شده است که برخی فقهاء مطلقه رجعی را در مدت عده در حکم زوجه (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۴۶) و برخی دیگر او را زوجه حقیقی بدانند. (بحرانی، ج ۳، ص ۳۹۱)

در آیه اول سوره طلاق به احکام عده بعد از طلاق رجعی اشاره کرده است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ...»^۲ «ای پیامبر هر زمانی خواستید زنان را طلاق دهید در زمان عده، طلاق را جاری نمایید (زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسران نزدیکی نکرده باشند) و حساب عده را نگه دارید.» «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ»: پس از پاک شدن از عادت ماهانه ای که با زن آمیزش نکرده اید، آن ها را طلاق دهید و طلاق در عده، همین است

۱. سوره طلاق، آیه ۶

۲. سوره طلاق، آیه ۱

زیرا این پاکی از عده زن محسوب می شود. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص: ۳۰۸)

۱-۲-۳. حکمت وجود عده در طلاق رجعی: عده در واقع، تاخیر از زمان تصمیم تا اقدام است. اسلام به مردان دستور می دهد که همسران مطلقه خود را تا پایان زمان عده در خانه نگاهداری کنند و هزینه های آنان را اعم از خوراک و پوشاک را بر عهده گیرند. «اسْکُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوْهِكُمْ» طبیعی است که معاشرت و مصاحبت مرد با همسر مطلقه در طی مدت عده سبب می گردد که هیجان و غضب آن ها فروکش کرده و با دقت و تأمل بیشتر به پیامدهای طلاق بیندیشند و چه بسا در این مدت زوجین دوباره زندگی مشترک را شروع کنند. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص: ۹۹) این امر به عکس مساله رجوع در طلاق رجعی است در آن جا، خداوند اراده تعجیل کرده، زیرا برای تاخیر، آفاتی وجود دارد و آوردن شاهد در طلاق رجعی موجب تاخیر در رجوع است و بدین جهت مبنای امامیه این هست که رجوع اعم از قول و فعل و اشاره است و صیغه خاصی نیاز ندارد. تمام این ها برای تسهیل در رجوع است و تمام احکام زوجه را (ارث، عده، نفقه، تغسیل، ...) زن مطلقه رجعی دارد که به دلیل اهمیت این مطلب، قاعده فقهی به نام «مطلقه الرجعیه زوجه حقیقتاً» در فقه نامگذاری شده است. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص: ۱۳۵)

۳-۳. قاعده «نفی تکلیف مالایطاق» در پرداخت نفقه: تکلیف ما لا یطاق اصطلاح کلامی است، به معنای واجب کردن تکلیف از سوی خدا بر مکلفی که توانایی انجام دادن آن را ندارد و از نظر عقلی محال است؛ زیرا چنین تکلیفی با حکمت خداوند سازگاری ندارد و فعل قبیح از خداوند صادر نمی گردد. (طوسی، ۱۳۷۵، ص: ۶۱) آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: تکلیف خارج از توان مکلف، اصلاً تشریح نشده اند؛ تکلیف اختلال آور قبیح است و شارع به آن امر نمی کند^۱. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص: ۱۶۰)

برخی از فقهاء ملاک در میزان نفقه را توانگری و تنگدستی زوج می دانند و برآیه هفت سوره طلاق استناد می کنند: «لَیْسَ فِیْ ذُو سَعَةِ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلَیْسَ فِیْ مِمَّا آتَاهُ اللهُ لَا یَکْلِفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا مَا آتَاهَا سَیْجَعُلُ اللهُ بَعْدَ عَشْرٍ یَسْرًا» تکلیف به مقدار توان افراد است. هرکس به اندازه توان خود باید از آنچه خداوند به او روزی کرده است؛ انفاق کند. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص: ۳۷) این مطلب در بعضی روایات مورد تاکید قرار گرفته است، از جمله: فضیل بن یسار از امام صادق (ع) راجع به این آیه نقل می کند: «رَوَى رَبِیُّ عَنْ ابْنِ عَبْدِ اللهِ وَ الْفَضِیْلِ بْنِ یَسَارٍ عَنْ ابْنِ عَبْدِ اللهِ

۱. سوره طلاق، آیه ۶

۲ «لان فبح التکالیف الموجبه لاختلال النظام مما لا یحتاج الی مونه الاستدلال بل هو امر واضح ...»

ع فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ - وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ قَالَ إِنَّ أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يَقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كِسْفٍ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص: ۴۴۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص: ۵۰۹) مرد باید نفقه زن را به قدر کفایت به او بدهد.

تعهد به انفاق در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران یک طرفه و برعهده شوهر است و زن، حتی در صورت تمکن مالی ملزم به مشارکت در تامین خود و خانواده نیست. (جبعی عاملی، بیتا، ج ۵، ص: ۴۷۷) به نظر صاحب جواهر آیه مورد استدلال در باره نفقه غیر زوجه است که باناتوانی انفاق کننده براساس قاعده «نفسی تکلیف مالایطاق» ساقط می-شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص: ۳۳۳) بنابراین نفقه زن برعهده زوج است و در پرداخت آن نیازمند به شرط ضمن عقد هم ندارد و تنها مسیر سقوط نفقه، عدم مطالبه زن است و اعسار مرد در وجوب آن نقش ندارد و از قاعده تکلیف مالایطاق خارج است.

در تفاسیر متعدد منظور از «ما آتاها» در عبارت «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتاها» تعبیر به امور مالی و نفقه زن شده است که مقدار نفقه بر حسب وسعت و توانایی مرد تفسیر شده است به اندازه آنچه که خداوند به مرد روزی کرده است. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص: ۲۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص: ۹۶؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص: ۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص: ۴۶۵) «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» در قرآن ۱۲ بار کلمه «عسر» و ۳۶ بار کلمه «یسر» آمده است؛ گویا با هر سختی سه آسانی هست. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۱۲) خداوند وعده داده است که به زودی بعد از دشواری و سختی آسانی خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص: ۴۶۵) این آیه وعده ای به شوهران فقیر است که اگر به اندازه توان خود از انفاق کوتاهی نکنند، درهای روزی به رویشان گشوده می شود. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص: ۴۶۵)

نتیجه گیری

مهم ترین یافته های حاصل از این پژوهش عبارت است از:

- روش قرآن کریم در آیات نکاح و امر ازدواج براساس رفق و مدارا، کسب آرامش و مهارت های تحکیم بنیان خانواده و اصول سازش و همدلی و حفظ مصالح خانواده شکل گرفته است که این موارد در آیات مربوط به جدایی در سوره طلاق هم لحاظ شده است.

- در آیات سوره طلاق، اصول سازش مانند: حسن معاشرت و مهارت امساک بمعروف، تقدم اخلاق بر حقوق، مشاوره و مشورت، اصل خدا محوری و حق باوری و پذیرش حاکمیت حق در عوض پیروی از نفس، احترام به حقوق متقابل، اصل قیومت مرد، سکونت و آرامش زوجین و مهم ترین این اصول در نظام خانواده اصل خدا محوری و پذیرش حاکمیت حق در برابر پیروی از هوای

نفس، جهت حفظ مصالح خانواده و صلح و سازش بعد از طلاق، تبیین شده است.

- شارع مقدس قواعد فقهی مانند: لاضرر، المطلقه الرجعیه زوجه حقیقتاً، نفی تکلیف مالا یطاق، را در حفظ مصالح خانواده و حمایت خانواده در مقابل آسیب‌های ناشی از طلاق وضع کرده است.

- در سوره طلاق اصول سازش در خانواده به صورت قواعد و احکام جدایی اخلاق مدار مطرح گردیده است که بنا را بر پیشگیری از طلاق و حفظ کانون خانواده و مصلحت آن، قرار داده است؛ لذا اخلاق در حریم خانواده تقدم بر حقوق دارد و توجه به حقوق و تکالیف اعضای خانواده بدون رعایت مسائل اخلاقی و همدردی و همدلی، نمی‌تواند سعادت و مصالح خانواده را تضمین نماید.

- سفارش قرآن کریم به هنگام جدایی و طلاق، رفتار شایسته و عمل به معروف و حفظ شان و حمایت از جامعه انسانی زنان است؛ لذا بیشتر خطابات قرآنی در سوره طلاق، در مورد مراعات حقوق زنان به مردان است.

- بخشی از مشکلات در زندگی خانوادگی به خاطر عدم رعایت تقوی و اصل خدامحوری و توحید پذیری شکل می‌گیرد که از ابتدای سوره طلاق هم چند بار سخن از تقوی به میان آمده است که همین امر اهمیت اصل توحید باوری در خانواده و مهارت تقوا مداری را در امر طلاق و عمل به دستورات الهی در زمان جدایی و پس از آن را دو چندان می‌نماید.

- دور شدن از مفاهیم قرآنی و عدم استفاده از مهارت‌های وحیانی، سبب آسیب‌های زیادی در زمان زندگی و جدایی زوجین می‌گردد.

منابع

- ۱- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۲- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ۳- ابن البراج الطرابلسی، عبد العزيز، المهذب، قم: جامعه المدرسين، ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۴- ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۵- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بيروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۴۱۱ ه. ق.
- ۶- ابن كثير، اسماعيل، تفسیر القرآن الكريم، بيروت: دار المعرفه، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۷- ابن بابويه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۸- آلوسی، بغدادی، ابی الفضل شهاب الدین سید محمود، روح المعانی، بيروت: دار الاحیاء التراث العربی، چ چهارم، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۹- بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهيہ، قم: نشر الہادی، ۱۴۱۹ ه. ق.
- ۱۰- بحرانی، محمد سند، سند العروۃ الوثقی (کتاب النکاح)، قم: مکتبہ فذک، ۱۴۲۹ ه. ق.
- ۱۱- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره فی احکام العترة الطاهره» قم: موسسه نشر الاسلامی، بی تا.
- ۱۲- جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد - یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بيروت: دار الثقلین، ۱۴۱۹ ه. ق.
- ۱۳- جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی، تفسیر شاهی، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، چ سوم، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۵- -----، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۶- جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الفہام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیہ، بی تا.
- ۱۷- حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن، مترجم: بخشایشی، قم: پاساژ قدس، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ه. ق.
- ۱۹- خوانساری، احمد، جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق، چ دوم، ۱۳۵۵ ش.
- ۲۰- روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الكريم، مشهد: موسسه طبع و نشر الاستانہ الرضویہ المقدسه، ۱۳۶۶ ش.



- ۲۱- روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، قم: موسسه دارالکتاب، چ سوم، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- رازی، امام محمد، تفسیر الفخر الرازی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- ۲۳- -----، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ سوم، ۱۴۲۰ه ق.
- ۲۴- راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی، ۱۴۰۵ق.
- ۲۵- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتاب العربی، چ سوم، ۱۴۰۷ه ق.
- ۲۶- زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
- ۲۷- سبحانی، جعفر، نظام الطلاق فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: موسسه الامام الصادق، ۱۴۱۴ق.
- ۲۸- شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار، موسوعه احکام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹ه ق.
- ۲۹- صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغه، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ه ق.
- ۳۰- صفایی، امامی، حسین، اسد الله، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان، چ پنجاه و دوم، ۱۳۹۸ش.
- ۳۱- طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
- ۳۲- طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
- ۳۳- -----، مختصر مجمع البیان، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ دوم، ۱۴۱۳ه ق.
- ۳۴- -----، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ه ق.
- ۳۵- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم، ۱۳۹۰ه ق.
- ۳۶- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ه ق.
- ۳۷- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ش.
- ۳۸- -----، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۳۹- -----، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران: انتشارات

- کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ ه. ق.
- ۴۰- عاملی، کرکی،، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ دوم، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ۴۱- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۴۲- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید، برتا.
- ۴۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چ دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۴۴- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چ دوم، ۱۴۱۵ ه. ق.
- ۴۵- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ششم، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۴۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۵ ش.
- ۴۷- قمی، سید محمد حسینی روحانی، المسائل المنتخبه، کویت: شرکه مکتبه الألفین، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۴۸- قمی، (صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۴۹- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ه. ق.
- ۵۰- معلوف، لوئیس، المتحد فی اللغه، دار المشرق، چ سی و پنج، ۱۹۹۶ م.
- ۵۱- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
- ۵۲- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ه. ق.
- ۵۳- میبیدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدّه الابرار، تهران: امیر کبیر، چ پنجم، ۱۳۷۱ ه. ش.
- ۵۴- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۳ ش.
- ۵۵- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ هفتم، ۱۴۰۴ ه. ق.

- ۵۶- هندی، فاضل، كشف اللثام، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق .
- ۵۷- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، تکملہ العروہ الوثقی، قم: کتابفروشی داوری،، ۱۴۱۴ ه ق .

مقالات

- ۵۸- احمدیہ، مریم، «عرف، معروف، مساوات» کتاب زنان، ش ۹، ۱۳۷۹ش .

نرم افزار

- جامع فقہ اهل بیت (علیہم السلام)
- جامع التفاسیر
- جامع الاحادیث

